

مشکل پایداری رشد اقتصاد ایران

تلاش به سوی مرز امکانات

از سال ۸۱ تاکنون، روند رشد اقتصاد ایران نزولی ملایم است. ولی کاهش رشد سرمایه‌گذاری نگران‌کننده است.

رشد اقتصاد ایران از سال ۸۱ تاکنون، علیرغم افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی و ارزی و همچنین افزایش تولید سرانه، روندی نزولی را نشان می‌دهد. از سال ۸۱ تا ۸۳ با نزولی معادل ۲/۸ واحد درصد مواجه بوده‌ایم، اگرچه در سال‌های ۸۴ و ۸۵ (پس از بازنگری دولت در آمارها)، اقتصاد با افزایش رشد همراه بوده است. معیناً هنوز رشد سال ۸۵ معادل ۱/۴ واحد درصد از رشد سال ۸۱ کمتر بوده و لذا روند دوره ۸۵-۸۱ نزولی است. البته رشد ۶/۷ درصدی نیمه اول سال ۸۶ ممکن است امیدوارکننده باشد. در کالبد شکافی اقتصاد ایران می‌توان این گونه بیان نمود که برنامه ریزی و تدوین استراتژی و تاکتیک، برای رشد هماهنگ و هم زمان تمام پیکر اقتصاد ایران صورت نگرفته و به عبارتی، این اقتصاد هرگز بر روی مرز امکانات توسعه و رشد قرار ندارد.

یکی از پیش شرط‌های اصلی تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، براساس برآوردهای قانون برنامه چهارم، رشد اقتصادی ۸ درصدی است که در برنامه پنجم نیز لحاظ خواهد شد. با بررسی و تحلیل عملکرد اقتصادی دو سال اخیر، مشاهده می‌شود لازمه نیل به چنین هدفی، برخورداری از پشتوانه‌های سرمایه‌گذاری است. از آنجا که رشد اقتصاد بر مبنای تولید سنجیده می‌شود، در مطالعه سرعت رشد اقتصاد یک کشور، بررسی «مرز امکانات تولید» آن کشور حایز اهمیت است. بنا به تعریف، یک اقتصاد کارآمد که از تمام منابع و امکانات موجود خود به بهترین وجه استفاده می‌کند، در واقع روی مرز امکانات تولید خود قرار دارد و لذا در کوتاه مدت، تولید فراتر از این مرز برایش امکان‌پذیر نخواهد بود و بنابراین

سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و نیز کشور چین در دو دهه اخیر، در همین چارچوب قابل توضیح است. بدیهی است حتی رشد دو رقمی اقتصاد ایران، که از مرز امکانات تولید خویش فاصله بسیاری دارد، دور از ذهن و غیرممکن نیست.

البته بالا بودن قیمت نفت و سیاست‌های انبساطی باعث شده است تا اقتصاد ایران به رشد قابل قبولی در سال‌های ۸۵ - ۸۴ دست یابد، به نحوی که رشد محصول ناخالص داخلی (GDP) کشور در سال ۸۵، ۶/۲ درصد برآورد شده که این رقم در مقایسه با نرخ رشد محصول ناخالص داخلی سال ۸۴ که معادل ۵/۷ درصد برآورد گردیده، بیانگر رشد ۰/۵ واحد درصدی در بخش واقعی اقتصاد (بدون در نظر گرفتن تورم) است.

این طور به نظر می‌رسد که در روند رشد اقتصاد ایران، از تمام توان و ظرفیت عوامل برای حرکت این سیستم استفاده نمی‌شود و تنها چند عامل، با پتانسیل‌های بالای رشد بار این سیستم را بر دوش می‌کشند. آشکار است که بهبود رشد اقتصادی و وضعیت خارجی ایران از عملکرد قوی بخش خارجی و شرایط مناسب بازار نفت حاصل شده و لذا پایداری آن، با توجه به برونزا بودن این رشد سؤال برانگیز است. قابل توجه است که درآمدهای حاصل از صادرات نفت در سال ۸۱ معادل ۲۳ میلیارد بوده که در سال ۸۵ با افزایشی برابر ۱۷۰ درصد، به بیش از ۶۲ میلیارد دلار رسیده است. ولی افزایش بهره‌وری، به عنوان عاملی که مرز امکانات تولید را به صورت پایدار گسترش می‌دهد، در دوران پُرپول نفتی ظاهراً از خاطرها زدوده می‌شود.

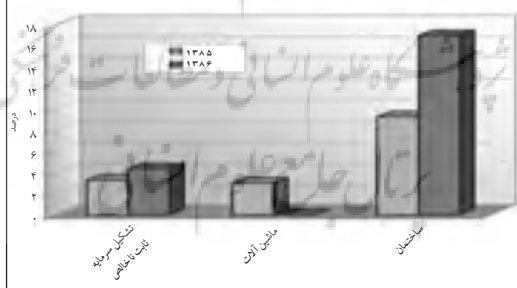
برای افزایش تولید یک یا چند کالای خاص باید از تولید کالا یا کالاهای دیگری بکاهد. در میان مدت، یک اقتصاد پویا می‌تواند مرز امکانات خود را گسترش داده و به رشد اقتصادی دست یابد.

ولی رشد اقتصادی برای یک اقتصاد غیر پویا، سخت و چالش برانگیز است. سؤال این است که آیا اقتصاد ایران روی مرز امکانات تولید خود قرار دارد؟ در اقتصادی که منابع تولید عملاً بدون استفاده و در پایین‌ترین مرز بهره‌وری مانده‌اند و به صورت کارگران بیکار، تولید زیر ظرفیت در کارخانه‌ها و زمین و منابع طبیعی، بلا استفاده نمود می‌کنند، آیا می‌توان ادعا کرد که اقتصاد ایران روی مرز امکانات تولید قرار دارد؟

حرکت روی خط مرز

این گونه اقتصادیایی که نه روی مرز امکانات تولید بلکه داخل این مرز قرار دارند، دارای امکان مهم دیگری برای افزایش رشد اقتصادی از مسیری غیر از گسترش مرز هستند و آن، حرکت از داخل مرز به روی خط مرز امکانات تولید است. رشد جهشی اقتصاد بسیاری از کشورهای غربی و ژاپن در

رشد سرمایه‌گذاری (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۶)



سرمایه اثرگذار

در بررسی شاخص‌های مختلف رشد برای کالبدشناسی اقتصاد ایران، سرمایه‌گذاری تأثیرگذارترین است. نرخ رشد تشکیل سرمایه در سال ۸۵ با ۱/۸ واحد درصد کاهش به ۳/۳ درصد رسید. به تحلیل بانک مرکزی، علت کاهش رشد تشکیل سرمایه، کاهش نرخ رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای در مقایسه با سال ۸۴ و نیز کاهش ۰/۸ واحد درصدی رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش

روند سرمایه‌گذاری

شش ماهه اول سال ۱۳۸۶		شش ماهه اول سال ۱۳۸۵		فعالیت‌های اقتصادی	
رشد بر حسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ (درصد)	به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ (میلیارد ریال)	رشد بر حسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ (درصد)	به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ (میلیارد ریال)	به قیمت‌های جاری (میلیارد ریال)	به قیمت‌های ثابت (میلیارد ریال)
۴/۴	۷۹,۵۰۸	۵/۱	۳۱۳,۳۸۰	۲۵۲,۷۸۳	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
-۳/۰	۴۶,۶۵۷	۷/۸	۱۶۰,۹۸۱	۴۸,۰۹۵	ماشین‌آلات
۱۷/۰	۳۲,۸۵۱	۰/۸	۱۵۲,۳۹۹	۲۸,۰۸۸	ساخت‌مان

استخراج: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» از گزارشات بانک مرکزی.

اقتصاد ۸۷-۸۶

بیکاران تحصیلکرده را دریابید!

نگاه دکتر مهدی تقوی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی



در مورد متغیرهای کلان اقتصادی در سال ۸۶ نسبت به سال ۸۵ بهبودی مشاهده نمی‌کنیم. نرخ بیکاری که توسط وزارت کار اعلام شده، بالاتر رفته است. در مورد نرخ تورم نیز تمام منابع، صرف نظر از تفاوت نرخ‌های اعلام شده، معتقدند که از سال گذشته بسیار بیشتر شده است. رشد اقتصادی هم تغییر چشمگیری نکرده است و هنوز تا رشد ۸ درصدی که به غلط در برنامه چهارم پیش بینی شده است، فاصله زیادی داریم. با مراجعه به آمار می‌توان گفت، میزان ورشکستگی کارخانه‌ها و شرکت‌ها، بیشتر شده است. گفتنی است، علیرغم افزایش بی‌سابقه قیمت نفت، شرایط اقتصادی کشور بهتر نشده است. نرخ تورم ۲۰ درصدی و به خصوص، تورم در بخش مسکن موجب شده قدرت خرید حقوق بگیران، کارمندان و کارگران کاهش پیدا کند و در عوض، درآمدهای کلانی نصیب بساز و بفروش‌ها و دلال‌ها شود و تمام این موارد توزیع ناعادلانه درآمد در کشور را به دنبال داشته است. در کل، به اعتقاد من، تغییرات مثبتی را در سال ۸۶ نسبت به ۸۵ در متغیرهای کلان اقتصادی شاهد نبودیم. وضعیت اقتصادی کشور در سال ۸۷ به سه عامل بستگی دارد:

۱) قیمت نفت: مسلماً با گرم شدن هوا، در شش ماه اول سال، قیمت نفت کاهش یافته و شاهد کاهش درآمدهای ارزی کشور خواهیم بود. در مقابل، در شش ماه دوم سال، افزایش قیمت نفت، درآمد ارزی بیشتری برای کشور به دنبال خواهد داشت. همچنین ممکن است کشورهای غربی و واردکنندگان با پیش خرید و ذخیره‌سازی نفت، نوسان در قیمت آن ایجاد کنند. همه این عوامل در اقتصاد متکی بر نفت ایران که حدود ۷۵ درصد از مخارج را درآمدهای نفتی تعیین می‌کند، بسیار تأثیرگذار است.

۲) سیاست‌های دولت: به اعتقاد من، اگر دولت و اقتصاددانان حاضر در دولت، شرایط اقتصادی کشور را درست تحلیل کنند و بتوانند سیاست‌های اقتصادی بهتری اعمال نمایند، کشور می‌تواند در جهت کاهش تورم و نرخ بیکاری و همچنین رشد اقتصادی حرکت کند. متأسفانه در حال حاضر اقتصاد کشور بیمار است و دلایل این بیماری نیز هنوز به درستی شناخته نشده است. به طور مثال، وقتی در کشور رکود تورمی داریم، به این معنی است که طرف عرضه مشکل دارد نه طرف تقاضا. در حالی که تصور می‌کنیم اگر حجم پول را کم کنیم، شرایط بهتر می‌شود. غافل از این که در شرایط رکود تورمی، وقتی حجم پول را کم کنیم، به دنبال آن تقاضا نیز کم می‌شود و

ساختمان می‌باشد. البته رشد سرمایه‌گذاری ساختمان در نیمه اول سال ۸۶، رضایتبخش به نظر می‌رسد. روند اجزای تشکیل سرمایه ناخالص - که عبارت از تشکیل سرمایه در ساختمان و ماشین‌آلات می‌باشد - با کاهش نرخ رشد مواجه بوده است. کاهش آهنگ رشد در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات، تا حدی ناشی از کاهش نرخ رشد کالاهای وارداتی سرمایه‌ای می‌باشد. کالاهای وارداتی سرمایه‌ای و واسطه‌ای، مورد نیاز صنایع تولیدی کشور می‌باشند و واردات آنها به نوعی، افزایش اشتغال، ارزش افزوده و همچنین صادرات در سال‌های آتی را به دنبال خواهد داشت. به تحلیل ماهنامه «اقتصاد ایران»، در عین حال، تنش‌های مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آثار منفی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر جای گذاشته است. عامل تشکیل سرمایه با توجه به اثرات آتی که در بستر و ساختار یک اقتصاد می‌تواند داشته باشد، به تنهایی قادر خواهد بود بر روی قدرت شاخص‌های دیگر، اثری عمیق بگذارد.

در بخش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ساختمان، کاهش نرخ رشد، عمدتاً به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این بخش بوده است. اما کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، علاوه بر بسترهای نامناسب برای این امر، به عدم وجود سیاست‌های تشویقی و ترغیبی دولت برای ایجاد آزادی رقابت و امنیت سرمایه باز می‌گردد. تا زمانی که سیاست‌های نامعقول و مقطعی، سرمایه‌گذاران را به امور غیرتولیدی و غیرمولد در بازار سرمایه‌گذاری کشور سوق می‌دهد، نمی‌توان به بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی امیدوار بود. یکی از اصلی‌ترین دلایل بالا بودن نرخ بیکاری و حتی تورم، پول زیاد و بی ارزش (به دلیل رشد بی‌رویه نقدینگی) و در مقابل، کمبود سرمایه در ایران است. سرمایه، عامل مکمل نیروی کار و افزایش بهره‌وری در تولید است و وجود نرخ بالای بیکاری در ایران، بیانگر وضعیت کمبود سرمایه در کشورمان می‌باشد. سیاست‌های اقتصادی کشور نیز که سمت و سوی آن در جهت تشویق به افزایش تولید نیست، مزید بر علت شده و مشکلات را تشدید می‌کند. عواملی از قبیل تورم، ریسک بالای فعالیت‌های اقتصادی قانونی، نظام مالیاتی ناکار و بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری مواردی هستند که بر تعیین قیمت سرمایه اثر می‌گذارند. به علاوه، دخالت‌های مراجع قانون‌گذار و اجرایی می‌توانند شرایط رقابتی را محدود سازند.

در یک دید جامع و آینده‌نگر، کاهش روند رشد اقتصادی ایران و اختلاف آن با رشدهای مورد نیاز برای تحقق اهداف چشم‌انداز، که سالانه بین ۷/۱ تا ۸ درصد است (رجوع شود به شماره ۱۰۸ ماهنامه «اقتصاد ایران»)، نگران‌کننده است. ■

این خود باعث افزایش رکود می‌شود و تأثیری بر میزان تورم ندارد. مسأله دیگر این است که دولت، واردات کالاهایی را که جایگزین داخلی دارد آزاد می‌کند. مثلاً در صنایع نساجی باعث ورشکستگی صنعت نساجی به دلیل فقدان توان رقابت‌پذیری این صنعت می‌شود. همین‌طور در بحث شکر شاهد این مسأله هستیم. بنابراین دولت باید سیاست تجاری خارجی خود را اصلاح و کالاهای بدون جایگزین را وارد نمایند.

۳) شوک‌های سیاسی: مسلماً کاهش شوک‌های سیاسی که اقتصاد ایران در حال حاضر با آن روبرو است می‌تواند تأثیر زیادی در بهبود وضع اقتصادی کشور در سال ۸۷ داشته باشد.

در مورد چالش‌های اقتصادی کشور در سال آینده مهمترین چالش، اشتغال نسل جوان کشور است. در حال حاضر تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار در کشور زیاد است. این مسأله می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی زیادی بشود. لذا دولت باید به فکر اشتغال برای جوانان باشد اما نه هر شغلی. سیاست‌های اقتصادی دولت باید در جهت سرمایه‌گذاری مولد باشد تا منجر به تولید کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و حتی صنایع دستی بشوند. چالش مهم دیگر، موضوع تورم است که باز هم به بحث سرمایه‌گذاری و تولید مربوط می‌شود. در حال حاضر در کشور ما حدود ۵۰ درصد از محصول ناخالص ملی (GNP) ناشی از ارزش افزوده بخش خدمات است. بخش خدمات یعنی واسطه‌گری که کمکی برای اقتصاد نیست. بنابراین باید سرمایه‌گذاری‌های مولد افزایش یابد و دولت نیز باید در این زمینه اقدامات تشویقی را مانند دادن سوبسید انجام دهد. نمونه این کار در کشور کره انجام گرفت که دولت با دادن سوبسید در جهت سرمایه‌گذاری‌های مولد، هم اشتغال ایجاد کرد و هم تورم را کاهش داد. ■